



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Variety and extent of expression techniques, a literary feature in Omid Majd’s translation of Nahj-Al-Balaaghah

Fatemeh Goosheneshin

Department of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 May 2020
 Reviewed: 02 July 2020
 Revised: 15 July 2020
 Accepted: 02 September 2020

KEYWORDS

Literary and rhetorical, Nahj-Al-Balaaghah, translation, poetic translation, Omid Majd, expressive techniques

*Corresponding Author

✉ gooshehneshtin@pnu.ac.ir
 ☎ (+98 13) 22441793

ABSTRACT




BACKGROUND AND PURPOSE: Translation Of religious texts has a special theoretical foundations due to the special feature of these texts. These texts are divided into revolutionary and non-revolutionary categories, that the sensitivity of each is different from the other during in the translation. The book of Nahj-Al-Balaaghah is one of the non-revolutionary Islamic religious texts due to the position of this work among Iranians, more than 50 Persian translations of Nahj-Al-Balaaghah have been made so far. However, use of these translated texts is more than the field of meaning and the translator is usually unable to convey the linguistic, expressive and literary subtitles of the original text. Translation of Nahj-Al-Balaaghah, which is based on the language abilities and needs artistic applications, requires significant linguistic, literary taste and artistic ability. The aim of this study is to investigate the poetic translation of Omid Majd from Nahj-Al-Balaaghah in terms of the use of expressive techniques in it. The main question of this research is how much and how do use expressly techniques and then mentioned translation according to their main text of Nahj-Al-Balaaghah is done.

METHODOLOGY: This research has been done by descriptive-analytical method.

FINDINGS: What is translation of Omid Majd from Nahj-Al-Balaaghah In comparison with main text, the translator has used expressive techniques and he’s pretty translation in three ways: alignment and matching of expression techniques with the text, creativity and translating expressive techniques and addition of expressive techniques in the translation process.

CONCLUSION: Majd has tried in his translation of Nahj-Al-Balaaghah In the section of expression, to reflect the emotional images and manner of expression of Imam Ali. This success is evidence in then use of similes, metaphors, allusions, allegories and other rhetorical techniques in this translation. The translator has tried not to damage original text and delivery of the message, transfer the original text to the second language by using various forms of imagination.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5413](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5413)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 1	 0

نشریه سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

تنوع و گستردگی فنون بیانی یک ویژگی ادبی در ترجمه امید مجد از نهج البلاغه

فاطمه گوشه‌نشین

گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه پیام نور، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: ترجمه متون دینی بدلیل ویژگیهای خاص این متون، مبانی نظری ویژه‌ای به همراه دارد. این متون به دو دسته وحیانی و غیروحیانی تقسیم میشوند که حساسیت هر یک در گذر از ترجمه با دیگری متفاوت است. کتاب نهج‌البلاغه از متون دینی غیروحیانی اسلامی است. بدلیل جایگاه این اثر در میان ایرانیان، تا کنون بیش از پنجاه ترجمه به زبان فارسی از نهج‌البلاغه صورت گرفته است. باوجود این بهره‌برداری از این متون ترجمه‌شده بیشتر در حوزه معنا و مفهوم است و مترجم معمولاً از انتقال ظرافتهای زبانی، بیانی و ادبی متن اصلی ناتوان مانده است. ترجمه نهج‌البلاغه که اساس آن بر تواناییهای زبان و کاربردهای هنری آن است، به سواد زبانی، ذوق ادبی و توان هنری قابل توجهی نیازمند است. این پژوهش با هدف بررسی ترجمه منظوم امید مجد از نهج‌البلاغه از نظر کاربرد فنون بیانی در آن انجام گرفته است. پرسش اصلی این پژوهش این است که میزان و نحوه کاربرد فنون بیانی در ترجمه مجد با توجه به متن اصلی نهج‌البلاغه، چگونه است؟

روش مطالعه: این جستار با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

یافته‌ها: ترجمه منظوم مجد از نهج‌البلاغه در مقایسه با متن اصلی، مترجم به سه شیوه از فنون بیانی در ترجمه منظوم خود سود جست است: هم‌ترازی و مطابقت فنون بیانی با متن اصلی، خلاقیت در ترجمه فنون بیانی، و افزودن فنون بیانی در فرایند ترجمه.

نتیجه‌گیری: مجد در ترجمه خود از نهج‌البلاغه کوشیده است در بخش بیان، تصاویر عاطفی و نحوه بیان حضرت علی (ع) را منعکس کند. این توفیق در کاربرد تشبیهات، استعاره‌ها، کنایه‌ها، تمثیلات و سایر فنون بلاغی این ترجمه مشهود است. مترجم سعی کرده تا جایی که به اصل ترجمه و ابلاغ پیام لطمه نخورد، با بهره‌گیری از صور خیال گوناگون، بافت ادبی و بلاغی متن اصلی را به زبان دوم منتقل کند.

تاریخ دریافت: ۰۷ خرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۱۲ تیر ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۵ تیر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۲ شهریور ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

نهج‌البلاغه، ترجمه، ترجمه منظوم، امید مجد؛ فنون بیانی

* نویسنده مسئول:

gooshehneshtin@pnu.ac.ir

۲۲۴۴۱۷۹۳ (۹۸ ۱۳)

مقدمه

یکی از بخشهای مطالعات نظری ترجمه، نظریه ترجمه محدود به نوع متن است (آشنایی با مطالعات ترجمه، ماندی: ص ۸۸) که بنا بر آن ترجمه هر نوع متن، صورت ویژه‌ای بخود میگیرد. متون دینی از نظر ویژگیهای صوری و معنایی و از اینرو از لحاظ اصول و مبانی نظری ترجمه با متون دیگر تفاوت دارند. از دیرباز نزاع گسترده‌ای در مباحث ترجمه متون مذهبی، درباره تقدم و اولویت انتقال صورت یا محتوا وجود دارد. گاه تقوای ترجمه این متون باعث میشود مترجم به ترجمه تحت‌اللفظی دچار شود و ناخواسته معنای روشن متون را تیره کند، اما این دقت پرهیزکارانه باید با گونه‌ای معناپوری همراه شود تا خواننده از درک درست معنا عاجز نماند. در واقع «مترجم در حد واسطه متن مبدأ و مقصد قرار دارد و سعی میکند برای عناصر متنی زبان مبدأ، معادلهایی در زبان مقصد پیدا کند و در میان عناصر، آنچه بیش از همه مد نظر قرار میگیرد، عنصر واژگان است» (درآمدی بر اصول و روش ترجمه، لطفی‌پور ساعدی: ص ۸۰). با وجود این مترجم موفق نباید تنها از یک دریچه و ساختار، متن زبان مبدأ را به زبان مقصد ترجمه کند. تطبیق و پیاده کردن نکات دستوری و انتقال واژگانی به‌تنهایی نمیتواند ملاک و اساس کار قرار گیرد؛ زیرا نباید نقش دیگر عوامل برون و درون‌متنی را نیز در ترجمه نادیده گرفت. بنابراین ترجمه خوب و روشمند بر یک پایه ساخته نمیشود، بلکه ساختارها و عوامل گوناگونی دست به دست هم میدهند تا چارچوب و ساختار ترجمه شکل بگیرد. میتوان گفت نیمی از کارکرد ترجمه انتقال واژه‌هاست؛ نیم دیگر و بنظر مهمتر، انتقال زیباییهای متن است که این موضوع، کمتر مورد توجه مترجمان قرار گرفته است. در این میان خواننده از نیمه دوم بیشتر لذت میبرد تا از نیمه نخست.

از آنجاکه نهج البلاغه جزو متون دینی است و پس از قرآن در بین مسلمانان، بویژه شیعیان، جایگاه والایی دارد، ترجمه‌های متعددی از آن به زبان فارسی صورت گرفته است. دیرینه‌ترین آنها به دو سده پنجم و ششم هجری بازمیگردد (نهج البلاغه با ترجمه فارسی قرن پنجم و ششم، جوینی: مقدمه). برخی نیز شرح و ترجمه جلال‌الدین حسین بن شرف‌الدین اردبیلی (معاصر شاه اسماعیل صفوی) را کهنترین ترجمه فارسی برمی‌شمارند (ترجمه نهج البلاغه، شهیدی: ص یز). ترجمه نهج البلاغه از دو جهت اصلی، امری دشوار و نیازمند دقت، ذوق و توان بالای زبانی و ادبی است. یکی اینکه متنی دینی است و احتیاط و امانتداری در ترجمه آن بیش از سایر متون حساسیت‌برانگیز است و دیگر اینکه متنی است که به فصاحت و بلاغت مشهور است و خطر از دست رفتن این ویژگی در ترجمه، همواره مترجم را تهدید میکند. در واقع مترجم نهج البلاغه، علاوه بر انتقال معنی، و وفاداری به متن، باید ترجمه‌ای فصیح و بلیغ ارائه دهد که در مقایسه با متن اصلی، دارای بار و ارزش بلاغی کمتری نباشد. همچنین مترجم نهج البلاغه در ساختار بلاغی با مفاهیم صناعات ادبی و صورخیال روبه‌روست؛ از اینرو در فرایند ترجمه، انتقال نکته‌ها و چارچوبهای بلاغت دشوارتر از دیگر ساختارهاست. در این میان اگر ترجمه بصورت منظوم ارائه شود، محدودیتهای وزن و قافیه، عرصه را تنگتر نیز میسازد.

ترجمه منظوم امید مجد از نهج البلاغه (۱۳۷۹) یکی از ترجمه‌های منظومی است که به زبان فارسی از این اثر صورت گرفته است. یکی از ویژگیهای شاخص این ترجمه «هزاران تشبیه و استعاره و صنایع ادبی دیگری است که در این اثر بیش از دوازده هزار بیتی بکار رفته است و پرداخته ذهن شاعر آن و تنها در جهت تقویت کلام و انتقال مؤثر مطلب به خواننده بوده است» (نهج البلاغه با ترجمه منظوم، مجد: مقدمه، ص چهارده). در واقع فنون بیانی موجود در این ترجمه را به سه بخش عمده میتوان تقسیم کرد: بخش اول مربوط به فنونی است که در متن مبدأ نیز وجود دارد و مترجم شاعر آن را تقریباً به همان شکل به زبان مقصد منتقل نموده است. در بخش

دوم تغییراتی خلاقانه و بر حسب قابلیت‌های زبان و ادبیات فارسی و همچنین ذائقه خوانندگان فارسی‌زبان، در ترجمه فنون بیانی ایجاد شده است. بخش سوم نیز متعلق به آرایه‌هایی است که در متن اصلی وجود ندارد و توسط مترجم به متن افزوده شده است.

هدف این نوشتار بررسی فنون بیانی از منظر تنوع و گستردگی در ترجمه منظوم امید مجد از نهج البلاغه است. در این راستا خطبه نخست معروف به آفرینش، خطبه سوم معروف به شقشقیه، و نامه ۵۳ معروف به عهدنامه مالک اشتر، از این ترجمه با متن اصلی مورد مقایسه قرار گرفته است. این پژوهش از طریق داده‌یابی کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

سابقه پژوهش

درباره آثار امید مجد، تا کنون مقاله‌های متعددی به چاپ رسیده است. «مقایسه سبک‌شناسی ترجمه‌های منظوم نهج البلاغه امید مجد و محمدحسین سلطانی» عنوان مقاله‌ای است از فرهنگی و نوروزی (۱۳۹۳). در این پژوهش ترجمه هر دو شاعر در بخش‌های آوایی، لغوی و نحوی بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که سبک ترجمه منظوم مجد از هر دو ویژگی حسی و انتزاعی برخوردار است. فرهنگی و قربانی گشتی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبک‌شناسی ترجمه منظوم قرآن امید مجد از دیدگاه زبانی» ترجمه مجد را در سه بخش آوایی، لغوی و نحوی مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده تنوع قافیه و همچنین بیانگر سبک‌نمایی و انتزاعی این ترجمه است. همچنین مجد و ابوحمزه (۱۳۹۳) در مقاله «میزان دقت ترجمه‌های قرآن در عبارات و معانی محذوف پنج جزء اول» به بررسی عبارات و معانی محذوفی پرداخته‌اند که باید برای فهم دقیق معنی آیه در ترجمه لحاظ گردند. در این پژوهش چگونگی ترجمه عبارات و معانی محذوف در هفت ترجمه شامل سه ترجمه از ترجمه‌های کهن قرآن در قرن پنجم و ششم هجری، یک ترجمه منظوم و ادبی قرآن (متعلق به امید مجد) و سه ترجمه نثر معاصر بررسی و دسته‌بندی‌هایی از آنها ارائه شده است. مقاله دیگر به مجموعه آثار شعری مجد اختصاص دارد که مجموعه اشعار او، ترجمه قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجاده در این گروه قرار دارند. این مقاله از مظاهر مصفا و محمدعلی شفایی (۱۳۹۳) با عنوان «نسل سوم شاعران دانشگاهی و جایگاه آنها در ادبیات معاصر» به معرفی شخصیت، فکر، زبان و جوهره شعری نسل سوم شاعران دانشگاهی پرداخته است که امید مجد نیز یکی از این افراد است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد زبان شعری مجد تکیه بر زبان اصیل شعر فارسی دارد و متمایل به نسل اول شاعران دانشگاهی است. همچنین بررسی آثار شعری از اندیشه و نگاه معنویت‌گرا و دینمدار او حکایت می‌کند.

بحث و بررسی

متون غیروحیانی دینی دربردارنده یافته‌های انسانی در رابطه با داده‌های وحیانی و با گرایش به موضوع و هدفی دینی نوشته شده‌اند. بخشی از این متون منسوب به بزرگان دین است که به دلیل جایگاه ویژه آنان، پس از کتب آسمانی، تا حد مرجع در دین اهمیت می‌یابند. اما به‌رحال این متون محصول ذهن بشر بوده و نسبت به متون وحیانی در گذر از ترجمه از حساسیت کمتری برخوردارند. در چنین ترجمه‌ای مترجم آزادانه‌تر می‌تواند روش موردنظر خود را در انتخاب ساخت نحوی و معادل‌یابی واژگانی اختیار کند و نقد و بررسی‌هایی که به چنین ترجمه‌هایی صورت می‌گیرد، قطعاً در آن درجه از حساسیت مطرح نخواهد شد (بحثی در مبانی نظری ترجمه

متون دینی، منصوری: ص ۶۲). با وجود این متون مذکور نیز در مقایسه با متون نوشته شده توسط سایر افراد، پایداری بیشتری را به متن میطلبند.

در رایجترین تقسیم‌بندی از انواع ترجمه، با دو نوع ترجمه معنایی یا حرفی^۱، و ترجمه ارتباطی یا پیامی^۲ مواجهیم. ترجمه معنایی یا حرفی، ترجمه‌ای است که معنای دقیق متن مبدأ را با نزدیکترین ساختارهای دستوری و معنایی زبان مقصد منتقل میکند. ترجمه ارتباطی یا پیامی، ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با متداولترین کلمات و عبارات و ساختارهای دستوری به زبان مقصد برمیگرداند (روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی، ناظمیان: ص ۲۵). شیوه مجد در ترجمه فنون بیانی نهج البلاغه ترکیب و تلفیقی از این دو روش است. در واقع مترجم هر کجا احساس کرده است ترجمه حرفی فنون بیانی، مطابق با زمینه و پیشینه فرهنگی و ادبی زبان دوم و البته ویژگی متن منظوم است، آنها را به همان صورت به زبان دوم منتقل کرده است. و هر کجا فنی از فنون بیانی را با یکی از این دو مؤلفه، ناهماهنگ تشخیص داده، خلاقیت و ذوق ادبی خود را چاشنی ترجمه نموده و ترجمه ارتباطی را پیش گرفته است. در مواردی نیز فنون بیانی متعددی در ترجمه وجود دارد که حاصل آفرینش ادبی مترجم است و در متن اصلی وجود ندارد. در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از هر یک از این سه شیوه پرداخته میشود.

هم‌ترازی و مطابقت در ترجمه فنون بیانی

متن قدسی سرشار از زیبایی است، اما پرسش این است که انتقال زیباییهای متن از چه راهی ممکن میشود؟ زیبایی‌شناسی هر متن بر اساس زبان شکل میگیرد، اما اگر انتقال عناصر زبانی زیبایی‌ساز از زبان مبدأ به زبان مقصد ممکن نباشد، حفظ صورت ساده و طبیعی کلام اولویت دارد؛ چراکه زیبایی مصنوعی آفت‌زاست. بافت بلاغی، معنای مجازی و استعاری نقش مؤثری در روند سراسری انسجام و چیدمان متن ترجمه شده دارند. همیشه اینگونه نیست که جمله، حالت عادی و معمولی داشته باشد. گاهی در متن، اصطلاحی، مثالی، معنای مجازی و کنایی یا تعبیر علمی خاصی - که معنای ویژه‌ای دارد - بکار میرود. از اینرو مترجم باید با تسلط، هم اصطلاحات خاص «زبان مبدأ» و هم معادل آنها را در «زبان مقصد» به دقت بیاورد. از آنجاکه تمثیلات، استعارات، تشبیهات، کنایات و دیگر مباحث بلاغی، نقش بسزایی در استحکام معنی و انتقال معنی دارند، مترجم باید نسبت به علوم بلاغی، شأن نزول مثلها و موارد مشابه، آگاهی و علم لازم را داشته باشد.

در ترجمه مجد از نهج البلاغه در موارد بسیاری، آرایه ادبی موجود در متن اصلی، عیناً به شعر برگردانده شده و بافت بلاغی کاملاً حفظ و منتقل شده است. مجد در این روش از ترجمه فنون بیانی نهج البلاغه کوشیده است عناصر زیبایی‌شناسی، بار ادبی، بافت فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبان کهن و موجز متن اصلی را در ترجمه حفظ کند. به مواردی از این دست توجه کنید:

الف) متن نهج البلاغه: أَطْلِقُ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حِقْدٍ (نامه ۵۳). ترجمه منشور: گره هر کینه‌ای که از مردم به دل داری بگشای. ترجمه مجد:

کینه‌ها را با محبت چاره کن رشته‌های دشمنی را پاره کن

۱- Semantic translation

۲- Communicative translation

(نهج‌البلاغه، ترجمه مجد: ص ۴۸۱)

عبارت «عقدة كل حقد» به «رشته‌های دشمنی» تشبیه شده است.

ب) متن نهج‌البلاغه: وَ يَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وُلُوهُ الْحَمَامِ (خطبه آفرینش). ترجمه منثور: و همانند کبوتران به آن (کعبه) پناه می‌برند. ترجمه مجد:

تا پناه آرند مردم سوی آن چون کبوتر که بجوید آشیان
(همان: ص ۱۰)

در این عبارت رفتن مردم بسوی کعبه به کبوترانی تشبیه شده است که به آشیان خود پناه می‌برند. این تشبیه در ترجمه مجد نیز به همین صورت آمده است.

پ) متن نهج‌البلاغه: أَنْ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى (خطبه ششقیه). ترجمه منثور: جایگاه من در خلافت چون محور سنگ آسیا به آسیاست. ترجمه مجد:

محوری خواهد که گردد گرد او	آسیاسنگ از ننگه سازی نکو
محور گردنده من بودم ورا	بود این امت چو سنگ آسیا

(همان: ص ۱۵)

این تشبیه مرکب تمثیلی به همین صورت در ترجمه مجد نیز آمده است.

ت) متن نهج‌البلاغه: يَخْضُمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ (خطبه ششقیه). ترجمه منثور: و چون شتری که گیاه تازه‌بهار را با ولع می‌خورد به غارت بیت‌المال دست زدند. ترجمه مجد:

هر زمان خوردند افزونتر ز پیش	وجه بیت‌المال را چون مال خویش
چون چمن بیند به وقت نوبهار	همچو اشتر که همی برد مهار

(همان: ص ۱۷)

این تشبیه نیز هم در اصل متن و هم در ترجمه بصورت مرکب است.

ث) متن نهج‌البلاغه: فَصَاحِبُهَا كَرَائِبِ الصَّعْبَةِ (خطبه ششقیه). ترجمه منثور: بودن با حکومت او کسی را میماند که بر مرکب چموش سوار است. ترجمه مجد:

هر که یارش بود نادان یا بهوش	گویا بنشسته بر اسبی چموش
------------------------------	--------------------------

(همان: ص ۱۶)

تشبیه موجود در متن اصلی، به همان صورت به زبان دوم منتقل شده است.

ج) متن نهج‌البلاغه: و طويْتُ عنها كِشْحاً (خطبه ششقیه)، ترجمه منثور: روی از آن (خلافت) برتافتم.

از خلافت روی گرداندم به جبر	سینه شد میدان جانبازی صبر
-----------------------------	---------------------------

(نهج‌البلاغه، ترجمه مجد: ص ۱۵)

کشح، قسمت مابین پهلو تا پشت از کنار ناف را گویند. «طوی کشحه عنی» یعنی با حالت هجرت از من روی گردانید (لسان‌العرب، ابن‌منظور: ج ۱۵، ص ۱۹). مغنیه در شرح این کنایه آورده است: «به این معنی است که از خلافت روی گرداندم و به آن توجهی نکردم» (فی ظلال نهج‌البلاغه، مغنیه: ج ۱، ص ۸۴). از اینرو ترجمه مجد از این کنایه بسیار رسا و دقیق است. البته در مصرع دوم بیت، ترجیح خویشنداری و تحمل حضرت علی (ع) در ماجرای خلافت، با تلفیق تشبیه و استعاره مکنیه، به جانبازی صبر در سینه ایشان تعبیر شده است؛ درحالی‌که

چنین تصویری در متن اصلی وجود ندارد. این ویژگی مربوط به روش سوم کاربرد فنون بیانی در این ترجمه است.

خلاقیت و پویایی در ترجمه فنون بیانی

مترجم هرچند توانایی بالایی در آفرینش ترجمه داشته باشد، نخواهد توانست مخاطب زبان مقصد را کاملاً به دنیای ادبی فراهم شده برای مخاطب زبان اصلی ببرد. البته این گفته بمعنای رها کردن و دست کشیدن از ترجمه صناعات ادبی نیست، بلکه باید مترجم تلاش نماید شکاف میان مخاطبان دو زبان را کمتر کند و این مهم انجام‌شدنی است. ترجمه مجد از نهج البلاغه تا حدود زیادی در این امر موفق عمل کرده است. یکی از ویژگیهای این ترجمه، ابتکار در استفاده از فنون بلاغی موجود در متن اصلی، در ترجمه است. برای مثال اگر در متن اصلی، مفهومی با استفاده از استعاره مکنیه بیان شده، در ترجمه بصورت استعاره مصرحه، تشبیه، کنایه یا مانند آنها آمده است. با این شگرد نه تنها ویژگی بلاغی زبان مبدأ حفظ شده، چاشنی زیبایی و خلاقیت نیز، تأثیرگذاری متن را افزایش داده است. در نمونه‌های متعددی از این ترجمه، هسته و بنمایه تصویر بلاغی در متن اصلی، موردنظر قرار گرفته اما عیناً به زبان دوم منتقل نشده است. در واقع مترجم با حفظ تصویر اصلی، آن را با ذوق شعری، پیشینه فرهنگی و سلیقه ادبی مخاطب آمیخته است. بگفته مترجم «تنها هنگامی خود را مجاز به اینگونه تغییرات دانسته است که اصل مطلب دگرگون نشود» (نهج البلاغه منظوم با ترجمه مجد: مقدمه، ص سیزده). به مواردی از این روش در ترجمه فنون بیانی نهج البلاغه توجه کنید:

الف) متن نهج البلاغه: لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ (خطبه ششقیه). ترجمه منثور: ابوبکر جامه خلافت را بر تن کرد. ترجمه مجد:

گرچه میدانست روشن کاین قبا بهر من بپریده‌اند اندر قضا
(نهج البلاغه، ترجمه مجد: ص ۱۵)

در این عبارت در متن اصلی، خلافت در قالب استعاره مکنیه، به جامه تشبیه شده است، اما در ترجمه آن بجای ذکر متعلقات مشبه‌به، خود مشبه‌به آمده و با تلفیق آن با کنایه، بدون آسیب رساندن به معنی، بار ادبی متن دوچندان شده است. مصرع دوم با درنظر داشتن و ترکیب کنایات و تعبیرات معروف «قبایی بر قامت کسی دوخته شدن»، «حکم بریدن»، و «قبا بریدن» سروده شده است. در واقع «بریدن» در این بیت غیر از بریدن پارچه، بریدن حکم را نیز به ذهن متبادر میکند.

ب) متن نهج البلاغه: طَخِيَّةٌ عَمِيَاءَ: ظلمت کور (خطبه ششقیه). ترجمه مجد:

تیره گردیده جهان از دود جهل کام میراند بلا آسان و سهل
(همان: ص ۱۵)

بجای ترجمه تحت‌اللفظی این تشبیه اضافی، کوری به جهل تعبیر شده است. سپس جهل به دودی تشبیه شده که جهان را تیره کرده است.

پ) متن نهج البلاغه: فَصَبْرَتْ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا (خطبه ششقیه). ترجمه منثور: پس صبر کردم درحالیکه خار در چشمانم و استخوان در گلویم بود. ترجمه مجد:

خار غم چشمان قلبم را بخش در گلویم بغض تنهایی شکست
(همان: ص ۱۶)

خار در چشم و استخوان در گلو بودن کنایه از «آزار بسیار دیدن» است. مترجم تشبیه اضافی «خار غم» را با اضافه استعاری «چشمان قلب» درآمیخته است و در واقع با ارائه این تصویر، اندوه را در قلب و جان حضرت علی (ع) نشان داده است. همچنین استخوان را به بغض در گلو تشبیه کرده است. شکستن بغض در گلو، درد و آزار شکستن استخوان در گلو را نیز یادآوری میکند.

ت) متن نهج البلاغه: *وَ لَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ (خطبة شقشقيه)*. ترجمه منثور: و مرغ اندیشه به قلّه منزلتم نمیرسد. ترجمه مجد:

جای من آنجا که مرغ آسمان
پر بریزد گر رسد در آن مکان
(همان: ص ۱۵)

متن نهج البلاغه سرشار از تعبیرات کنایی است و یکی از چالش‌های ترجمه عبارات آن، برگردان کنایات آن به زبان مقصد است. از آنجاکه در بسیاری از تعبیرات کنایی، واژه‌ها در معنای مجازی و استعاری بکار رفته‌اند، ترجمه عبارات کنایی دقتهای خاص خود را میطلبد. در این بیت عبارت کنایی «وَ لَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ» به معادل فارسی خود ترجمه شده است. «پر ریختن مرغ» بمعنای عاجز و مقهور شدن است. چون به حکم «الکنایة ابلغ من التصريح» هدف از آوردن کنایه رسایی بیشتر مطلب است، ترجمه حرفی یا معنایی کنایه‌ها در بسیاری از موارد نقض غرض خواهد بود. از اینرو بهتر است با بهره‌گیری از معادل‌های کنایی در زبان مقصد به ترجمه ارتباطی کنایات پرداخته شود (درآمدی در نقد ترجمه‌های کنایاتی از نهج البلاغه، اقبالی: ص ۲۰۳).

ث) متن نهج البلاغه: *أَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَي غَارِبِهَا و لسقیتُ آخِرَهَا بكَأْسٍ أُولِهَا (خطبة شقشقيه)*. ترجمه منثور: دهنه شتر حکومت را بر کوهانش می‌انداختم و پایان خلافت را با پیمانۀ خالی اولش سیراب می‌کردم. ترجمه مجد:

رشته این کار را از دست خویش
بر کناری مینهادم همچو پیش
(نهج البلاغه، ترجمه مجد: ص ۱۹)

عبارت نخست در این بخش از خطبه، استعاره مکنیه است و خلافت مشبه، ناقه مشبه‌به و القای حبل که مربوط به ناقه و از لوازم مشبه‌به است، برای مشبه یعنی خلافت اثبات شده است. گویا حضرت این تعبیر را آورده است تا اعلام کند اگر در برابر پیمان الهی مسئول نبود، امر خلافت را رها ساخته و آن را همچون آغازش به خود وانهاده بود (شرح نهج البلاغه، بحرانی: ج ۱، ص ۲۶۸). مجد در ترجمه این عبارت نیز معنای کنایی آن در زبان دوم را مدنظر قرار داده است: رشته چیزی یا کاری را کنار نهادن.

در عبارت دوم «سقیت» استعاره تخیلیه است و مشبه آن «خلافت» و مشبه‌به چیزی یا زمینی است که با جام سیرابش کنند. گویی حضرت با ضمیر «ها» خلافت را به آن چیز یا کس تشبیه کرده است و استعاره مکنیه آورده و بعنوان قرینه یکی از لوازم مشبه یعنی «کأس» را برای خلافت اثبات کرده است. منظور حضرت از این عبارت این است که خلافت را «چون روز آغازینش رها می‌کردم» (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، خوبی: ج ۳، ص ۹۶). با توجه به این توضیحات ترجمه مجد از این عبارات در مصرع در نهایت دقت و ایجاز صورت گرفته است.

ج) متن نهج البلاغه: *تِلْكَ شِقْشِقَةٌ هَدَرَتْ ثُمَّ قَرَّتْ (خطبة شقشقيه)*. ترجمه منثور: این آتش درونی بود که شعله کشید سپس فرونشست. ترجمه مجد:

گفت امام متقین اندر جواب
دیگرم خاموش شد شمع خطاب

آنچه گفتم شعله‌های درد بود در فراز سینه‌ام باری غنود
(نهج البلاغه، ترجمه مجد: ص ۱۹)

این عبارت در متن عربی استعاره مکنیه است. سخن سخنران مشبه و پاره گوشت دهان شتر مشبه به و جامع آن حالت برخاسته از سوز و گداز درونی است. در ترجمه این عبارت نباید در ظاهر الفاظ آن متوقف شد؛ بنابراین ترجمه مجد از آن با سیاق عبارت و منظور گوینده آن مطابقت دارد و رساتر از ترجمه‌های حرفی و معنایی است. چون در اغلب ترجمه‌ها بیشتر بمعنای واژه‌های «ششقه» و «هدرت» اکتفا شده و مفهوم کنایی آن را نادیده گرفته‌اند. مجد این استعاره مکنیه را به تشبیه تبدیل کرده است. همچنین با آوردن تشبیه اضافی «شمع خطاب» در مصرع پیشین، این تصویر ادبی را فراهم آورده است: شمعی که شعله‌های آن درد است. (چ متن نهج البلاغه: فَأَهْبَطَهُ إِلَى دَارِ الْبَلِيَّةِ (خطبه آفرینش). ترجمه منثور: سپس او را به این دنیا که محل آزمایش است فرود آورد. ترجمه مجد:

بر زمین آورد او را زین هدف تا چه یابد تربیت در این صدف
خانه محنت سرای درد و غم غرقه‌گاه امتحان، بحر الم
(همان: ص ۷۶)

مترجم با توجه به معانی واژه «امتحان» در معنی محنت و درد، و آزمایش، و همچنین «بلیه» که آن هم در معنای مصیبت و هم در معنای ابتلاست، «دارالبلیه» را به خانه محنت، سرای درد و غم، و غرقه‌گاه امتحان ترجمه کرده است. در واقع برای این استعاره در عبارت عربی، چهار استعاره به شعر درآمده است. مجد در مواردی از این دست بخوبی نشان داده است که ترجمه تنها برگرداندن واژگان، اصطلاحات و تعبیرات از زبانی به زبان دیگر نیست. ترجمه هدفدار و روشمند است. پایه و ساختار ترجمه، پیامرسانی متن زبان مبدأ است. این مهم در صورتی انجام میپذیرد که در ساختارهای نحوی، صرفی، معنایی - لغوی، و بلاغی هماهنگی پدید آید. زیرا این ساختارها زنجیروار بیکدیگر پیوسته‌اند. از اینرو ترجمه میتواند نقش ارتباطی و هماهنگی خود را به خوبی و درستی میان انسانها ایفا کند. عناصر برجسته‌ساز متن ادبی که موجب آشنایی‌زدایی و غیرعادی جلوه دادن متن ادبی و همچنین تولید معانی چندلایه میشوند، اگر تنها بشیوه ترجمه حرفی به زبان دوم منتقل شوند، خواننده میان مجاز و ترجمه سرگردان و سردرگم میشود. در واقع بار بلاغی و ادبی متن را درک نمیکنند و از آن محروم میشود.

افزودن فنون بیانی در فرایند ترجمه

یکی دیگر از ویژگیهای ترجمه منظوم مجد از نهج البلاغه، بکار گرفتن فنون بلاغی در برگرداندن عبارات ساده و غیرادبی است. در واقع مترجم نه تنها فنون بلاغی موجود در متن مبدأ را حفظ کرده و انتقال داده است، در ترجمه برخی عبارات تهی از آرایه‌های بیانی نیز، از صور خیال استفاده کرده است. اگر بپذیریم زبان سطحهای مختلفی دارد و از ادبی، کهن و علمی گرفته تا صنفی، عامیانه و رسمی و مانند آنها امتداد مییابد، مترجم باید معلوم کند که زبان متن در زبان مبدأ چیست و قصد دارد آن را به چه سطحی از زبان مقصد ترجمه کند. از آنجاکه نهج البلاغه از دیرباز به فصاحت و بلاغت مشهور است، استفاده از زبان شعر و خیال، انتخاب بجا و هوشمندانه‌ای است. از اینرو زبان ترجمه مجد از این اثر در بسیاری از موارد، زبانی شاعرانه و ادبی است و نه صرفاً منظوم.

از سویی دیگر هر مترجمی باید روشن کند که تا چه میزان در اثر ادبی، شخصیت خود را بی‌آنکه با مقصود مؤلف اصلی اثر تناقض داشته باشد، در روند ترجمه دخالت خواهد داد و این امر همان چیزی است که میتوان از آن بعنوان «حس ترجمه» (الترجمة الأدبية بين قيود النص و حرية الإبداع، حماد: ص ۲۴۴) یاد کرد. این حس، رابطه متن مبدأ با متن مقصد را نظم میبخشد و روشن میسازد در کجا باید به متن، بشکل لفظی متعهد ماند و در چه مواردی، چگونه و چرا میتوان از آن چارچوب لفظی خارج شد. در واقع این حس، استعدادی درونی است که تحت تأثیر تجربه و ممارست صیقل مییابد و به ابزاری کارآمد در دستان مترجم تبدیل میشود. بنابراین، ترجمه ادبی در ابتدا نیازمند وجود حسی ادبی و خلاقیتی فراتر از خلاقیت مورد نیاز در ترجمه علمی است؛ چراکه متن ادبی به همراه خود دربردارنده ابعادی زیبایی‌شناسی نیز است که در کنار مضمون درونی آن قرار میگیرد (أثر ثقافة اللغة الأم على الترجمة، ماری برکات: ص ۶).

بر این اساس در ادامه به مواردی از فنون بیانی موجود در ترجمه مجد اشاره میشود که محصول آفرینش ادبی مترجم است و در متن اصلی وجود ندارد.

الف) متن نهج البلاغه: لَكِنِّي أَسْفُتُ إِذْ أَسْفُوا، وَ طِرْتُ إِذْ طَارُوا (خطبه ششقیه). ترجمه منثور: در نشیب و فراز شورا با آنان هماهنگ شدم. ترجمه مجد:

تا نیفتد مرغ دین در چنگ باز	تا بماند رایست دین برفراز
دل نهادم لاجرم بر این قضا	گرچه زین شورا نبود قلبم رضا

(نهج البلاغه، ترجمه مجد: ص ۱۷)

در این بیت علت صبر حضرت در برابر ماجرای شورای خلافت، با استفاده از یک تشبیه اضافی (مرغ دین)، یک استعاره مصرحه (باز استعاره از مخالفان یا اختلافات)، و یک کنایه (پرچم چیزی بر فراز بودن) بیان شده است. در متن اصلی بدلیل خویشتنداری حضرت علی (ع) اشاره نشده است. در حقیقت در مواردی که مجد به افزودن صنایع بلاغی هنگام ترجمه روی آورده است، معنا و مفهوم عبارت را در نظر گرفته و آن را با خیال شاعرانه بیان کرده است. بنابراین اگر ترجمه مفهومی یا پیام‌محور موجب گسست ساختار و چینش خطی روایت متن مقدس نشود، اشکالی بر آن وارد نیست.

ب) متن نهج البلاغه: إِلَى أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ نَافِجاً حِضْنَيْهِ بَيْنَ نَشِيْلِهِ وَ مُعْتَلَفِهِ (خطبه ششقیه). ترجمه منثور: تا سومی به حکومت رسید که برنامه‌ای جز انباشتن شکم و تخلیه آن نداشت. ترجمه مجد:

چنگ زد بر مرغ جانش خواب‌خور	چاه ویلی که نمیگردید پر
-----------------------------	-------------------------

(همان: ص ۱۷)

مترجم در ترجمه این عبارات از استعاره مکنیه (چنگ زدن خواب‌خور)، تشبیه اضافی (مرغ جان) و استعاره مصرحه (چاه ویل از شکم) بهره برده است. «ویل دو کاربرد دارد. هم کاربرد وصفی و هم کاربرد اسمی، کاربرد وصفی آن بمعنای «بدا به حال ...» است که شامل انواع بلاها و عذابه‌های دنیوی و اخروی میشود و کاربرد اسمی آن بمعنای چاهی در جهنم است» (اطیب البیان فی تفسیر القرآن، طیب: ج ۸، ص ۴۴۱). تشبیه شکم خلیفه سوم به چاه ویل، در متن اصلی وجود ندارد و انتخاب ظریفی برای ایجاد این تصویر است.

پ) متن نهج البلاغه: كَبِتْ بِهٖ بِطَنَّتْهُ (خطبه ششقیه). ترجمه منثور: شکمبارگی سرنگونش نمود. ترجمه مجد:

آنقدر در وادی اسراف تاخت	تا سر خود را در این میقات باخت
--------------------------	--------------------------------

(نهج البلاغه، ترجمه مجد: ص ۱۷)

در این بیت شکمبارگی به «تاختن در وادی اسراف» تشبیه شده است. سرنگونی نیز به تعبیر کنایی «سر باختن» ترجمه شده است. مترجم بجای ترجمه حرفی فعل «کبت» از کنایه‌ای استفاده کرده است که هم از لحاظ معنایی و هم لفظی با معادل واژگانی آن (سرنگون شدن) هماهنگی دارد. متن نهج البلاغه: *وَلَا تُسْرِعَنَّ إِلَىٰ بَادِرَةٍ وَجَدْتَ مِنْهَا مَنُذُوحَةً* (نامه ۵۳). ترجمه منشور: و به خشمی که راه بیرون رفتن از آن وجود دارد شتاب مکن. ترجمه مجد:

جام دل از مهربانی دار پسر
تا توانست هست خشمت را بخور
(همان: ص ۴۷۸)

مترجم فروخوردن خشم را به «پر کردن جام دل از مهربانی» تشبیه نموده است. شعر در تصویری متناقض‌نما میگوید از جام لبریز از مهربانی، خشم خود را بخور! «خوردن» در اینجا با توجه به صنعت «استخدام» دارای دو معنا است؛ نخست در معنای اصلی خود و در لایه دوم در معنای مجازی «بروز ندادن».

ث) متن نهج البلاغه: *فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْغَالَ فِي الْقَلْبِ، وَ مِنْهُكُمُ لِلدِّينِ، وَ تَقَرَّبُ مِنَ الْغَيْرِ* (نامه ۵۳). ترجمه منشور: این وضع موجب فساد دل، و کاهش و ضعف دین، و باعث نزدیک شدن زوال قدرت و نعمت است. ترجمه مجد:

صفحه دل زین سخن گردد سیاه
شاخه دین میشود زرد و تباه
آفتاب نعمت آید بر زوال
تیرگی بر آمدن یابد مجال
(همان: صص ۴۷۸ و ۴۷۹)

فساد و تباهی دل به سیاه شدن صفحه دل، و ضعف دین به زرد شدن شاخه آن، و زوال نعمت به زوال آفتاب نعمت ترجمه شده است. واژه «زوال» انتخاب بسیار بجایی برای این ترجمه است؛ چراکه یکی از معانی آن «متمايل شدن آفتاب از وسط آسمان بسمت مغرب است». بدین جهت واژه «زوال» دارای تناسب معنایی با کلمات «نعمت» و «آفتاب» است.

ج) متن نهج البلاغه: *أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ، وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوَىٰ مِنْ رَعِيَّتِكَ* (نامه ۵۳). ترجمه منشور: خدا و مردم را از جانب خود و خواص از خاندانت و کسانی از رعیتت که به او علاقه داری انصاف ده. ترجمه مجد:

سفره انصاف پیش دل بنه
داد رب و مردم و خویشان بده
(همان: ص ۴۷۹)

انصاف داشتن با مردم به سفره‌ای تشبیه شده است که دل و وجود آدمی باید از آن تناول کند. در واقع «انصاف ... من نفسک» بمعنای «از جانب خود انصاف دادن» به سفره انصاف برای دل گسترده تشبیه شده است.

چ) متن نهج البلاغه: *وَ مَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْخَصَ حُجَّتَهُ* (نامه ۵۳). ترجمه منشور: و هر که خداوند خصم او باشد عذرش را باطل کند. ترجمه مجد:

پنبه سازد رشته‌های حجتش
سست گرداند بنای قدرتش
(همان: ص ۴۷۹)

باطل شدن حجت با استفاده از کنایه «رشته‌های چیزی یا کسی را پنبه کردن» ترجمه شده است.

ح) متن نهج البلاغه: *تَلْمُؤًا أَمَانَتَكَ* (نامه ۵۳). ترجمه منشور: در امانت خیانت کنند. ترجمه مجد:

یا که در کارت خیانتها کنند
زهر در جام امانتها کنند
(همان: ص ۴۸۸)

خیانت در امانت کردن به «ریختن زهر در جام امانت» ترجمه شده است. در حقیقت امانت به جام یا مجازاً شراب و خیانت به زهر تشبیه شده است.

خ) متن نهج البلاغه: فَإِنَّ الرَّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ لِفِرَاسَاتِ الْوَلَاةِ بِتَصْنَعِهِمْ وَحُسْنِ خِدْمَتِهِمْ، وَ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَالْأَمَانَةِ شَيْءٌ (نامه ۵۳). ترجمه منتور: چراکه مردان برای جلب نظر حاکمان خود را به ظاهرسازی و خوش‌خدمتی می‌شناسانند، درحالی‌که پشت پرده این ظاهرسازی خبری از خیرخواهی و امانتداری نیست. ترجمه مجدد:

میکند خوش‌خدمتیها پیش رو
تا کند از پشت خنجر را فرو
(همان: ص ۴۹۰)

در ترجمه این عبارات با استفاده از ایجاز، کنایه «خنجر از پشت فروکردن» آمده است. گرایش مجد به ایجاز در این ترجمه مقبول افتاده و ترجمه او از این جملات از نظر معنا همپای جملات متن اصلی است. «ترجمه در یک تعریف یعنی انتقال معنا از یک ژرفساخت به ژرفساخت زبان دیگر با پذیرش ثابت ماندن ژرفساخت معنایی زبان مبدأ و زبان مقصد» (ساخت چامسکی، مصفا جهرمی و کتابی: ص ۶۵). در واقع تا زمانی که تغییرات موجود در ترجمه از چهارچوب محتوای توصیفی، عاطفی و فکری متن مبدأ خارج نشود، پذیرفتنی است. مترجم باید از میان معادلهای موجود در سطوح مختلف، همانی را برگزیند که در انتقال معانی ظریف پیام دقیقتر و توانا تر باشد. وظیفه مترجم توضیح نیست بلکه صورتبندی مجدد نوشته است (تحلیل کلام روشی برای ترجمه، دلیل: ص ۲۸).

د) متن نهج البلاغه: لَا يُدْرِكُهُ بَعْدَ الْهَمَمِ (خطبه آفرینش). ترجمه منتور: اندیشه‌های بلند او را درک ننمایند. ترجمه مجدد:

آشیان فکر هرچه شد بلند
بر شکوه وی نیندازد کمند
(نهج البلاغه، ترجمه مجدد: ص ۱)

در ترجمه این عبارت، یک تشبیه و یک کنایه بکار رفته است. اندیشه به آشیان تشبیه شده است. درک نکردن عظمت خداوند نیز به کنایه «در کمند نیامدن» ترجمه شده است.

ذ) متن نهج البلاغه: وَ لَا وَقْتُ مَعْدُودٍ، وَ لَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ (خطبه آفرینش). ترجمه منتور: [خداوند] در مدار وقت معدود، و مدت محدود قرار نگیرد. ترجمه مجدد:

پای فرصت لنگ آید زین طریق
هرکه در این بحر آمد شد غریق
(همان: ص ۱)

در ترکیبی استعاری «زمان محدود» دارای پای لنگ تصور شده است که نمیتواند خداوند را دربربگیرد. (ر) متن نهج البلاغه: فَطَرَّ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ (خطبه آفرینش). ترجمه منتور: با قدرتش خلائق را آفرید. ترجمه مجدد:

دست قدرت بر سر گردون کشید
جمله موجودها را آفرید
(همانجا)

بجای ترجمه حرفی این عبارت، اضافه استعاری «دست قدرت» با کنایه «دست بر سر کسی کشیدن» آمیخته شده است. با این ترجمه، مهربانی و نوازش چاشنی قدرت بی‌رقیب خداوند گشته است و این معنا را در ذهن متبادر میسازد که آفرینش این جهان نه‌تنها نشانه قدرت خداوند، بلکه حاصل لطف او به موجودات است.

ز) متن نهج البلاغه: وَ ابْتَدَاهُ ابْتِدَاءً، بِلا رَوِيَّةَ اَجَالِهَا (خطبه آفرینش). ترجمه منثور: و آفرینش را آغاز کرد، بدون بکارگیری اندیشه. ترجمه مجد:

چون سرای آفرینش کرد باز
کی به خشت فکر افتادش نیاز
(همان: ص ۲)

فرایند آفرینش به ساخت بنایی تشبیه شده است که خداوند برای ساختن آن به خشت تفکر و اندیشه نیازی نداشته است.

ژ) متن نهج البلاغه: غَرَزٌ غَرَائِزُهَا (خطبه آفرینش). ترجمه منثور: ذات هر یک را اثر و طبیعتی معین داد. ترجمه مجد:

کرده تنظیم غزائز بس دقیق
همچو زرگر که برآرید عقیق
(همانجا)

در این بیت با استفاده از تشبیه مرکب، دقت خداوند در آفرینش و ترتیب دادن ذات موجودات، به زرگری تشبیه شده است که با ظرافت بکارتراش دادن عقیق مشغول است.

س) متن نهج البلاغه: ثُمَّ اَنْشَأَ سُبْحَانَ فُتُقِ الْاُجْوَاءِ، وَ شَقَّ الْاُرْجَاءِ، وَ سَكَايِكَ الْهَوَاءِ. فَأَجْرِي فِيهَا مَاءً مُتَلَاظِمًا تَيَّارَةً، مُتْرَاكِمًا زَخَّارَةً (خطبه آفرینش). ترجمه منثور: سپس خدای سبحان جَوها را شکافت، و اطراف آن را بازگشود، و فضاهای خالی را در آن ایجاد کرد. آن گاه آبی را که امواجش درهم‌شکننده، و انبوه و متراکم بود، در آن فضای باز شده روان نمود. ترجمه مجد:

وانگهی در دامن پاک هوا
پرورش‌ها داد طفـل آب را
پرتراکم، پرتلاطم، پر ز موج
لشکر آب آفریدی فوج فوج
(همان: ص ۳)

مترجم ایجاد آب از هوا را به «پرورش طفل آب در دامن هوا» تشبیه کرده است. این مفهوم در بیت نخست با یک استعاره مکنیه (دامن هوا) و یک تشبیه اضافی (طفل آب) صورت گرفته است. در بیت دوم نیز اضافه تشبیهی «لشکر آب» انبوه، متراکم، و درهم‌شکننده بودن آب را به بهترین صورت تداعی میکنند. در واقع میتوان گفت این تشبیه با توجه به صفاتی که برای آب در متن اصلی ذکر شده، شکل گرفته است.

ش) متن نهج البلاغه: ثُمَّ فَتَقَ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ الْعُلَا، فَمَلَأَهُنَّ اَطْوَاراً مِنْ مَلَايِكَتِهِ (خطبه آفرینش). ترجمه منثور: سپس میان آسمانهای بلند را از هم گشود، و از فرشتگان مختلف خود پر کرد. ترجمه مجد:

پس ملائک را چو گوهرهای وُرد
زیوری بر نوعروس دهر کرد
(همان: ص ۴)

در ترجمه این عبارات، «دهر» به جهت اینکه در ابتدای خلقت خود است، به «نوعروس» تشبیه شده است. تشبیه دهر به عروس در ادبیات فارسی سابقه دارد. مترجم با توجه به این پیشینه، روزگار را در آغاز خلقت به نوعروس تشبیه کرده، همانطور که مثلاً حافظ به جهت گذران زمان بسیار، آن را به عجوزه تشبیه نموده است.^۱ همچنین در تشبیهی دیگر فرشتگان به گوهرهایی مانند شده‌اند که نوعروس روزگار را زینت میبخشند.

(ص) متن نهج‌البلاغه: وَ مَعَايِشَ تُحْيِيهِمْ، وَ أَجَالَ تُفْنِيهِمْ وَ أَوْصَابَ تُهْرِمُهُمْ، وَ أَحْدَاثَ تَتَّبَعُ عَلَيْهِمْ (خطبهٔ آفرینش): معیشت‌هایی که آنان را زنده می‌دارد، و اجل‌هایی که ایشان را به دست مرگ می‌سپارد، و ناگواریهایی که آنان را به پیری مینشانند، و حوادثی که بدنبال هم بر آنان هجوم می‌آورد. ترجمهٔ مجد:

با چه چیز افراشته کاخ حیات	چون به خاکش افکند دست ممات [...]
چند در این بوستان، آفات درد	برگ سبز عمر را گرداننده زرد
نیزه‌های صد بلا از هر طرف	برگرفته زندگان را هدف

(همان: ص ۷ و ۸)

مترجم زندگی را به کاخی تشبیه کرده است که دست مرگ آن را با خاک یکسان می‌کند. در این سه بیت که ترجمهٔ چهار عبارت فوق از خطبهٔ آفرینش است، چهار تشبیه اضافی (کاخ حیات، آفات درد، برگ سبز عمر، نیزه‌های بلا)، یک استعارهٔ مکنیه (دست ممات)، و یک استعارهٔ مصرحه (بوستان از دنیا) بکار رفته است. همچنین مترجم بجای ترجمهٔ حرفی عبارت «أَوْصَابَ تُهْرِمُهُمْ»، درد و مصیبت‌های زندگی را به آفاتی تشبیه کرده که برگ سبز عمر را زرد می‌کنند. در واقع «زرد شدن برگ سبز عمر» تعبیری است که در برابر «پیر شدن» آمده است.

(ض) مَأْخُودًا عَلَى النَّبِيِّينَ مِثْلَهُ (خطبهٔ آفرینش). ترجمهٔ منثور: قبولی رسالت او را از تمام انبیا گرفته بود. ترجمهٔ مجد:

جملهٔ آینه‌داران پیش از او	م هر کرده خاتم او را نکو
----------------------------	--------------------------

(همان: ص ۸)

«آینه‌دار» در یک معنی به کسی اطلاق می‌شده که در برابر عروس و داماد پیش میرفته تا چهرهٔ آنها در آینه منعکس شود. در ترجمهٔ این عبارات از نهج‌البلاغه، پیامبران پیش از حضرت محمد (ص) به آینه‌دارانی تشبیه شده‌اند که پیشاپیش او قدم برداشته‌اند و حامل انعکاسی از تصویر وی در خود بوده‌اند. مجد با انتخاب دقیق این کلمه بعنوان مشبه‌به، این اصل را نیز به ذهن متبادر کرده است که سایر پیامبران انعکاسی از وجود پیامبر اسلام (ص) هستند. در مصرع دوم نیز با استفادهٔ مضاعف از واژهٔ «خاتم»، هم ختم پیامبری مورد تأیید قرار گرفته است و هم اینکه دیگر پیامبران انگشتر حضرت محمد (ص) را به‌مثابهٔ مهر خود قرار داده بودند که به تعبیری نشانهٔ حجیت و جایگاه والای او در پیامبری است. حلقهٔ تصاویر درهم‌تنیده در این بیت بدین جا ختم می‌شود که مصرع دوم را میتوان بدین گونه نیز خواند و معنی کرد: پیامبران پیش از او، خاتمیت او را در پیامبری تأیید و مهر و امضا کرده‌اند.

(ط) متن نهج‌البلاغه: وَ أَكْرَمَهُ عَنِ الدُّنْيَا، وَ رَغِبَ بِهِ عَنْ مُقَارَنَةِ الْبُلُوبِ، فَقَبَضَهُ إِلَيْهِ كَرِيمًا (خطبهٔ آفرینش). ترجمهٔ منثور: با فراخواندنش از این دنیا به او اکرام نمود، و برای او فردوس اعلا را بجای قرین بودن به ابتلائات و سختیها برگزید، و او را کریمانه بسوی خود برد. ترجمهٔ مجد:

وارهانیدش ز بند این جهان	سوی خود آورد در اعلی مکان
تا گلی آنگونه خوشبو چون بهار	بیشتر از این نبیند رنج خار
پس کریمانه ز خاکش برکشید	رخت وصل خود به جانش درکشید

(همان: ص ۹)

در این عبارات از نهج‌البلاغه که ظاهراً به ماجرای وفات حضرت رسول (ص) اشاره دارد، پیامبر (ص) به گل تشبیه شده و خار نیز استعاره از سختیها و مصیبت‌های دنیاست. «مقارنهٔ البلوی» بمعنای قرین بودن با سختیها،

در این ترجمه به نزدیکی و مقارنت گل با خار تشبیه شده است. در مصرع پایانی نیز تشبیه اضافی «رخت وصل» بکار رفته است.

ظ) متن نهج البلاغه: وَ بَيْنَ وَاجِبِ بَوْقَتِهِ، وَ زَائِلِ فِي مُسْتَقْبَلِهِ (خطبه آفرینش): وجوب برخی از احکام تا زمانی معین ثابت، و پس از انقضاء مدت زائل شدنی است. ترجمه مجد:

چونکه چندی دور گردون گشت طی
ناقه تکلیف شد ببریده پی
(همان: ص ۱۰)

در این بیت، از بین رفتن وجوب برخی از احکام به «پی بریدن ناقه» تشبیه شده است. در این بیت یک اضافه تشبیهی (ناقه تکلیف) و یک کنایه (پی بریدن) بکار رفته است که در متن اصلی وجود ندارد.

نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر میتوان گفت هیچیک از فنون بیانی موجود در متن اصلی نهج البلاغه، در ترجمه مجد مغفول نمانده است. مترجم تمامی تشبیهات، استعارات، کنایات و مواردی از این دست را در ترجمه خود لحاظ کرده است. علاوه بر این خود نیز در موارد متعددی عبارات خالی از فنون بیانی در متن اصلی را با بهره گیری از صور خیال، ترجمه و سروده است و یا اینکه فنون بیانی موجود در متن اصلی را با خلاقیت و تغییراتی به شعر فارسی درآورده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، بیشترین روش کاربرد فنون بیانی در ترجمه مجد، همان روش سوم یعنی افزودن فن بیانی در فرایند ترجمه است. در ترجمه دو خطبه آفرینش و شفشقیه و نامه ۵۳ مورد بررسی در این پژوهش، ۱۸۰ تشبیه، ۵۸ کنایه و ۵۲ استعاره بکار رفته است که در متن مبدأ وجود ندارد. به عبارتی ۸۲ درصد تشبیهات موجود در ترجمه این متون، ۹۲/۳ درصد استعارات و ۸۱ درصد کنایات در متن اصلی نهج البلاغه وجود ندارند و حاصل آفرینش ادبی مترجم-شاعر هستند. این موارد بصورت دقیق در جدول ذیل ارائه شده‌اند.

بنابراین باید گفت مجد در ترجمه خود از نهج البلاغه کوشیده است در بخش بیان، تصاویر عاطفی و نحوه بیان حضرت علی (ع) را منعکس کند. این توفیق در کاربرد تشبیهات، استعاره‌ها، کنایه‌ها، تمثیلات و سایر فنون بلاغی این ترجمه مشهود است. مترجم سعی کرده تا جایی که به اصل ترجمه و ابلاغ پیام لطمه نخورد، با بهره گیری از صور خیال گوناگون، بافت ادبی و بلاغی متن اصلی را به زبان دوم منتقل کند. توجه مجد به زبان، نحوه بیان و صور خیال، که هر سه از اهم مقولات زبانشناسی و شناخت و درک لذت ادبی از متون است، موجب شده خواننده با ایجاز مغل یا اطناب ممل مواجه نشود. در ترجمه‌های تحت‌اللفظی، بنیاد و مرکز ثقل ترجمه، صورت و فرم است، اما در ترجمه‌های معنامحور و جدید، محتوا و پیام اهمیت دارد. میتوان گفت ترجمه مجد از نهج البلاغه از ترجمه تحت‌اللفظی یا حرفی در بیشتر موارد فاصله گرفته و ترجمه‌ای پیام‌محور و ارتباطی بشمار میرود. علاوه بر اینکه اصولاً در ترجمه منظوم از متون منثور، تحت‌اللفظی بودن چندان معنادار نیست، و برای نشان دادن چگونگی سبک متنی چون نهج البلاغه، کاربرد فنون بلاغی الزامی است.

نوع کاربرد فن	مطابقت و همترازی	خلاقیت و بویایی	افزودن در فرایند ترجمه	مجموع
---------------	------------------	-----------------	------------------------	-------

								بیانی
۶۲ درصد	۱۸۰	۸۲ درصد	۱۴۸	۶/۸ درصد	۱۳	۱۰/۵ درصد	۱۹	تشبیه
۲۰ درصد	۵۸	۸۱ درصد	۴۷	۸/۶ درصد	۵	۱۰ درصد	۶	کنایه
۱۸ درصد	۵۲	۹۲/۳ درصد	۴۸	۵/۷ درصد	۳	۱/۹ درصد	۱	استعاره

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Ibn Manzur, Mohammad-ibn Mokarram. (1984). *Lesan-ol Arab*, Qom: Adabol Hoze, p 19.
- Bahrani, Ali Ibn Maysam. (1381 AH). *Explanation of Nahj al-Balaghah*, Beirut: Book Publishing, p 268.
- Eghbali, Abbas. (2009). An Introduction to the Critique of Synonymous Translations of Nahj al-Balaghah, *Hadith Research*, 1 (1), pp. 180-205.
- Hamad, Ahmad. (2002). Literary translation between the restrictions of the text and the freedom of innovation, *Journal of the World of Thought*, No. 4 (30), Kuwait: Majlesoi Vatani.
- Jovini, Azizullah. (2006). *Nahj al-Balaghah with Persian translation of the fifth and sixth centuries*, Third Edition, Tehran: University of Tehran.
- Khoii, Mirza Hashem. (1424 AH). *Menhaj al-Bara'a fi Sharh Nahj al-Balaghah*, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, p 96.
- Lotfipour Saedi, Kazem. (2011). *An Introduction to the Principles and Methods of Translation*, 10th Edition, Tehran: University Publishing Center, p 80.
- Mandi, Jeremy. (2005). *Introduction to Translation Studies*. Translated by Hamid Kashanian, Tehran: Rokh, p 88.
- Mansouri, Mehrzad. (2004). Discussion on the theoretical foundations of translation of religious texts, *Translation Studies*, No. 6, pp. 55-64.
- Mary Barakat, Jundi. (2006). *The effect of the language of the nation on translation*, Beirut: Dar al-Fikr, p 6.
- Musaffa Jahromi, Abolfazl. Ketabi, Saeed. (2004). Made by Chomsky, translation and various semantic dimensions, *Translation Studies*, No. 6, pp. 65-74.
- Nahj al-Balaghah. (2015). *with the translation of the poem Omid Majd*, 12th edition, Tehran: Omid Majd Publications.
- Nazemian, Reza. (2002). *Methods in translation from Arabic to Persian*, Tehran: Samt, p 25.

- Reason, Jan. (2005). Word analysis is a method for translation: theory and application. Translated by Ismail Faqih, Tehran: Rahnama.
- Shahidi, Seyed Jafar. (1991). Translation of Nahj al-Balaghah, Second Edition, Tehran: Islamic Revolution Education Publications.
- Tayyeb, Seyyed Abdul Hussein. (2000). Atib al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Eslam Publications, p 441.
- Mughniyeh, Mohammad Javad. (1972). Fi Zalal Nahj al-Balaghah, Beirut: Dar al-Elm, p 84.

فهرست منابع

- آشنایی با مطالعات ترجمه، ماندی، جرمی (۱۳۸۴) ترجمه حمید کاشانیان، تهران: رخ.
- أثر ثقافة اللغة الأم على الترجمة، ماری برکات، جندی (۲۰۰۶) بیروت: دارالفکر.
- اطیب البیان فی تفسیر القرآن، طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸) تهران: اسلام.
- بحثی در مبانی نظری ترجمه متون دینی، منصور، مهرزاد (۱۳۸۳) مطالعات ترجمه، شماره ۶، صص ۵۵-۶۴.
- تحلیل کلام روشی برای ترجمه: نظریه و کاربرد، دلیل، ژان (۱۳۸۴) ترجمه اسماعیل فقیه، تهران: رهنما.
- الترجمة الأدبية بین قیود النص و حرية الإبداع، حماد، أحمد (۲۰۰۲) مجلة عالم الفكر، شماره ۴، جلد ۳۰، الكويت: المجلس الوطني.
- ترجمة نهج البلاغه، شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۰) چاپ دوم، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- درآمدی بر اصول و روش ترجمه، لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۹۰) چاپ دهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- درآمدی در نقد ترجمه‌های کنایاتی از نهج البلاغه، اقبالی، عباس (۱۳۸۸) حدیث پژوهی، سال اول، شماره اول، صص ۱۸۰-۲۰۵.
- روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی، ناظمیان، رضا (۱۳۸۱) تهران: سمت.
- ساخت چامسکی، ترجمه و ابعاد گوناگون معنایی، مصفا جهرمی، ابوالفضل و کتابی، سعید (۱۳۸۳) مطالعات ترجمه، شماره ۶، صص ۶۵-۷۴.
- شرح نهج البلاغه، بحرانی، علی بن میثم (۱۳۸۱ق) بیروت: نشر کتاب.
- فی ظلال نهج البلاغه، مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۲م) بیروت: دارالعلم للملایین.
- لسان العرب، ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۳۶۳) قم: ادب الحوزه.
- منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، خوبی، میرزاهاشم (۱۴۲۴ق) بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نهج البلاغه با ترجمه فارسی قرن پنجم و ششم، جوینی، عزیزالله (۱۳۸۵) چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- نهج البلاغه با ترجمه منظوم امید مجد (۱۳۹۴) چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات امید مجد.

معرفی نویسنده

فاطمه گوشه‌نشین: استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه پیام نور، ایران.

(Email: gooshehneshtin@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as

long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introduction of the author

Fatemeh Gosheneshin: Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Iran.
(Email: gooshehneshtin@pnu.ac.ir)